جلوه های حقوق مردم در عرصه عمومی(2)

شفقنا(پایگاه بین المللی همکاری های خبری شیعه)- استاد دانشگاه شهید بهشتی به تشریح قاعده فقهی تقدم حق الناس بر حق الله پرداخت و گفت: این قاعده باید در جای جای زندگی فردی و اجتماعی ما ظهور و بروز داشته باشد و در استنباط و استخراج احکام شرعی به آن پایبند باشیم.

به گزارش خبرنگار شفقنا در قم، حجت الاسلام والمسلمین دکتر رحیم نوبهار در دومین نشست از سلسله نشستهای علمی با موضوع «جلوه های حقوق مردم در حوزه عمومی» که در حسینیه مرحوم آیت الله موسوی اردبیلی برگزار شد، به تبیین ابعاد اجتماعی حق الناس پرداخت و اظهار داشت: اهمیت حق الناس در شریعت اسلام تا جایی است که می توان گفت تقدم حق الناس بر حق الله مانند یک قاعده فقهی است.

او با بیان اینکه حق بر نقد سیاست های اجتماعی و دولتی، حق بر تشکیل انجمنها، حق بر مداخله در امور فرهنگی و اجتماعی و حق بر تعیین سرنوشت که امروزه بخشی از آن در قالب حق بر انتخاب کردن و انتخاب شدن جلوه گر می شود از جمله حقوق الناس در عرصه عمومی است، ابراز کرد: فقها از تقدم حق الناس بر حق الله در لابه لای مسائل مختلف فقهی، دو گونه صحبت می کنند؛ گاه مقصودشان تقدم حق الناس بر حق الله در خصوص امور جزایی است؛ در این معنا جرائم موجود در فقه کیفری اسلام به جرائم حق الله و حق الناس تقسیم می شود. هرچند برخی جرائم دارای هر دو جنبه حق اللهی و حق الناسی است. تقدم حق الناس بر حق الله در این حوزه معنای خاص خود را دارد. اما گاه مقصود این است که در تمام ابواب و مسائل فقهی باید به این تقدم توجه شود.

استاد دانشگاه شهید بهشتی به نمونه ای در این زمینه اشاره کرد و ادامه داد: اگر کسی وصیت کرده باشد که دینی(بدهی) بر عهده دارد و ورثه آن را پرداخت کنند اما همزمان نماز و روزه ای هم بر عهده دارد و باید از محل اموالی که از وی به جا مانده است برای او نایب گرفته شود، فقها تردید نمی کنند که ادای آن دین و بدهی مقدم است بر نایب گرفتن برای ادای نماز و روزه. او گفت: حتی بعید نیست که دین خاص مانند بدهی ناشی از قرارداد یا اتلاف مال غیر بر دیونی مانند خمس که تا اندازه ای دارای جنبه حق اللهی است مقدم باشد. چون وقتی می گوئیم حق الناس بر حق الله مقدم است ممکن است برخی از مصادیق حق الناس، بر برخی دیگر مقدم باشند.

دکتر نوبهار به توضیح مبنای قاعده تقدم حق الناس بر حق الله پرداخت و گفت: عدلیه و معتزله بر خلاف اشاعره معتقدند که احکام تابع مفاسد و مصالح است؛ به عنوان مثال، نماز برای تحصیل مصلحت، و پرهیز از غیبت و تهمت به دلیل اجتناب از مفسده است. قدر مسلم این است که این مصالح و مفاسد به ذات ربوبی باز نمی گردد؛ بلکه به خود بندگان و تابعان شریعت باز می گردد.

نوبهار تصریح کرد: دفع مفسده یا جلب منفعت گاه در ارتباط انسان با خداوند و گاه در ارتباط انسان با دیگری است؛ اگر کسی در اعماق خانه خود بدون تظاهر به مستی، شراب بنوشد مرتکب جرم شده است اما این فرد به خودش ضرر می زند و امر الهی را زیرپا می گذارد لذا جرم از موارد حق الله است. اما وقتی کسی به مال دیگری دستبرد می زند افزون بر آن که امر و حکم الهی را زیر پاگزارده به حقوق مال باخته تعدی نموده و این حق الناس است.

او با بیان این مطلب که نوع حق های به رسمیت شناخته شده به جهت مصلحت کسی است که از حق منتفع می شود گفت: وقتی موردی را حق الله می شماریم جلب مصلحت یا دفع مفسده متوجه ذات باری تعالی نمی شود.

این استاد دانشگاه ابراز داشت: به این اعتبار وقتی از تقسیم بندی حق الله - حق الناس صحبت می کنیم، در تعبیر حق الناس، حق در معنای حقیقی آن استعمال شده است؛ اما در تعبیر حق الله، حق در معنای مجازی به کار رفته و مقصود، حکم الله است. در واقع خداوند متعال به علت رعایت مصلحت بندگان خود حکم را تشریع نموده است.

او با ذکر این نکته که در بحثهای علمی باید مبنا را از دلیل جدا کرد، گفت: مبنای قاعده تقدم حق الناس بر حق الله این است که در موارد حق الناس، پای مصلحت دیگری اعم از فرد، گروه و جامعه در میان است اما در حق الله، خداوند برای مصلحت خود مکلف، حکمی را جعل می کند.

نوبهار سپس به دلایل قاعده فوق اشاره کرد و افزود: قاعده تقدم حق الناس بر حق الله، قاعده ای اصطیادی است؛ به این معنا که به مضمون آن در قرآن و سنت تصریح نشده است؛ اما دست مایه های آن در متون دینی موجود است. از همین رو لذا فقها در احکام مختلف و استدلال هایی که برای اثبات احکام می کنند به این قاعده ملتزمند. جالب است که اتفاقا در متون و اخبار، تعبیراتی داریم که به ظاهر بر تقدم حق الله بر حق الناس دلالت می کند اما فقها به درستی آنها را تاویل و تفسیر کرده اند؛ چون تقدم حق الناس بر حق الله را با استناد به مبانی و دلایل استوار، مفروض گرفته اند.

او با بیان اینکه روایات در باب تقدم حق الناس بر حق الله در اخبار و آثار فراوان است به نمونه ای از این دست روایات اشاره کرد و ادامه داد: مسعدة بن صدقه از امام صادق از امام باقر(ع) نقل می کند که «یکی از انصار به رحمت خدا رفت و فرزندان خردسالی داشت و شش برده هم داشت، او در آستانه مرگ، برده های خود را آزاد کرد و مال دیگری هم نداشت، این ماجرا را برای پیامبر(ص) بازگو کردند. پیامبر(ص) بنا بر نقل فرمود: اکنون او کجاست؟ گفتند: او را دفن کردیم. حضرت فرمود: اگر من مطلع می شدم او را در کنار مسلمانان دفن نمی کردم؛ چون فرزندان خود را به حالی رها کرده که گدایی کنند.»

استاد مسلم حقوق جزا، این روایت را متضمن خطاب بیانی دانست و افزود: حضرت در مقام بیان ناروایی کار این فرد، چنین سخنی فرموده اند و در مقام بیان حکم شرعی نبوده است. از همین رو هیچ فقیهی فتوا نمی دهد که چنین کسی را نمی توان در قبرستان مسلمانان دفن کرد؛ زیرا پیامبر(ص) تنها در صدد بیان نادرستی و ناروایی کار این شخص بود. نوبهار ادامه داد: می بینیم که به رغم اهمیت و جایگاه والای آزاد کردن بردگان که اسلام بسیار به آن بها داده است آزادی برده نباید به حقوق دیگران آسیب بزند.

نوبهار با اشاره به مضمون این حدیث که به نوعی به بردگی اشاره دارد افزود: سخن گفتن از این گونه احادیث که از برده داری سخن می گوید هرگز به معنای تأیید برده داری نیست؛ برده داری خوشبختانه سال هاست از مدار اعتبارات عقلایی خارج شده است. او با بیان اینکه پیامبر(ص) فرمان لغو برده داری و تمایل به لغو برده داری را زودتر از لغو برده داری در اسناد حقوق بشری اعلام کردند اما متاسفانه ما عاجز از فهم و درک پیام پیامبر اکرم(ص) بودیم تصریح کرد: شاید کسانی گمان کنند احیای برده داری، آرمان اسلام است اما این توهم و خیال اشتباهی بیش نیست.

نوبهار با اشاره به اهمیت تلاش برای آزاد سازی بردگان در اسلام و قرآن کریم تصریح کرد: در آیات سوره بلد می خوانیم که:« گردنه و راه سختی که انسان باید از آن عبور کند، آزادی برده هاست» این به معنای آن است که قرآن می خواهد آدمیان از این گردنه عبور کنند و برای آزادی و رهایی بشریت از یوغ بردگی و بندگی غیرخداوند بکوشند. البته برده داری به ظاهر لغو شده است اما متاسفانه امروز با برده داری مدرن مواجهیم؛ پدیده قاچاق انسان و معامله شییء بودگی با انسان یا بردگی نوین هنوز هم ادامه دارد و خطاب قرآن به مؤمنان برای تلاش برای آزادسازی انسان هم همچنان زنده است.

استاد دانشگاه شهید بهشتی در ادامه به جنبه ها و مواردی دیگر از قاعده تقدم حق الناس برحق الله پرداخت و تصریح کرد: در جرائم حق الله مانند شرب خمر در پنهانی یا زنای با تراضی تلاش می شود تا جرم تا جای امکان ثابت نشود؛ چون پای حق خداوند یا به تعبیری همان حکم او در میان است؛ اما در حقوق الناس نمی توان نظام اثبات جرم را سخت طراحی کرد. او توضیح داد که البته گاه حق الله با حق الناس خلط می شود و احکام موارد حق الله به حق الناس تعمیم داده می شود که بسیار خطرناک است. برای نمونه اثبات زنای با تراضی با اثبات زنای به عنف که در آن پای حق الله در میان است به کلی متفاوت است.

او گفت: با توجه به وجود این قاعده از یک سو و پویایی مفهوم حق از سوی دیگر می توان گفتمان حق مداری در فقه را بارور و فربه تر کرد و به طور متوازن به بیان حق ها و مسئولیت ها پرداخت. حق های نوپیدا که مصداق حق الناس باشند هم مشمول عنوان حق الناس می شوند.

نوبهار در پایان تاکید کرد: تقدم حق الناس بر حق الله هم امری فقهی و هم امری اجتماعی و انسانی است که باید در جای جای زندگی اجتماعی ما مسلمانان و نظام شریعت اسلامی بروز و ظهور داشته باشد.